

عنوان مقاله:

نگاهی نقدگرایانه بر چگونگی نبرد رستم و سهراب از دیدگاه روانشناسی

محل انتشار:

کنگره ملی پژوهش های کاربردی علوم انسانی اسلامی (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

شهریار شادی گو - دکتری ادبیات عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام واحد دره شهر

الهام شکر - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دره شهر

خلاصه مقاله:

در هر یک از آثار ادبی اگر بخواهیم از نظر فنی و انتقاد در آن بنگریم مطالبی می یابیم که مستقلاً حائز اهمیت است و با تحقیق در آن مطالب و یافتن آن خصائص میتوان بر حقیقت و روح آن اثر دست یافت شاهکار فردوسی در وصف جنگ های تن به تن یکی از جنگ های تن به تن رستم با سهراب است که در زمره داستان های پهلوانی و تراژدیک شاهنامه است زیرا پهلوانان شاهنامه بهترین نمونه ی ایرانی و واقعیند که همه ی صفات خوب ملی مانند شاه پرستی ایران دوستی عظمت روح و غیره در آنها یافت میشود داستان نبرد رستم و سهراب در زمره منظومه های حماسی طبیعی و ملی است زیرا این افسانه ها و حماسه های اسطوره ای با بن مایه نبرد بین پدروپسر شکل گرفته اند و از مضامین مهیج اقوام آریایی و انعکاسی از پیکار مجاز و حقیقت هستند و فردوسی چنان داستان را طرح ریزی می کند که دوقهرمان نباید نام یکدیگر را که برنابرعقاید مربوط به جنگ بشناسند تا زمانی که دوشخصیت در میدان رزم بدون آگاهی از ماهیت خود منجر به شکل گیری فاجعه ای می شوند که میتوان یکی از دلایل شورانگیز جلوه دادن این نبرد را همین بی خبر بودن از هویت تا پایان نبرد دانست لذا در این مقاله سعی بر آن است با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به تحلیل شخصیت های اصلی داستان بر پایه نظریات روانشناسانه و در نهایت چگونگی شکل گیری این پیکار را بازگنمود

کلمات کلیدی:

نبرد رستم و سهراب ، روانشناسانه ، شاهنامه ، شناخت شخصیت ، فرآیند فردیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/390982>

